

حقوق زن

حقوق زن در خانواده از نظر قرآن و قانون مدنی

از نگاه قرآن کریم، خانواده یک ضرورت اجتماعی، روانی، اخلاقی، عاطفی و تربیتی است که بر اصول مساوات، آرامش، مودت، مهربانی، خوش رفتاری و عدالت استوار است «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً؛ از نشانه‌های او این است که از خود شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید و میان شما مهربانی برقرار ساخت.» روم ۲۱/

قرآن کریم نه تنها این تعبیر کامل و شایسته را در مورد خانواده به کار می‌برد، بلکه در آیات متعدد، متذکر می‌شود که در این پیمان مقدس، زن و مرد هر یک نسبت به یکدیگر حقوقی دارند کسی که حقی داشته باشد حتماً عهده‌دار وظیفه‌ای هم هست. در اسلام و جامعه قرآنی همان‌گونه که شوهران بر زنان حقوقی دارند و بر زنان لازم است آنها را رعایت کنند، زنان نیز بر شوهران حقوقی دارند که بر مردان لازم است در انجام آن بکوشند. پیامبر گرامی اسلام درباره حقوق متقابل زن و مرد فرموده‌اند: «جهاد المرأة حسن التبعل؛ جهاد زن خوب شوهرداری کردن است»^۱ و «خدمة العیال کفارة الکبائر و یطفي غضب الرب؛ خدمت کردن به خانواده کفاره گناهان کبیره است و آتش غضب خداوند را خاموش می‌کند.»^۲

قانون مدنی کشورمان متأثر از مبانی قرآنی حقوق و تکالیفی را برای زوجین تعیین کرده و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته است، اما باید توجه داشت که قانون به تنهایی نمی‌تواند آرامش و سعادت خانواده را ضمانت کند. آنچه در خوشبختی خانواده بیش از قانون مؤثر است و قرآن و احادیث مکرر یادآور شده‌اند، رعایت اخلاق اسلامی است.

حقوق زن در خانواده با توجه به آیات صریح قرآن اینگونه بیان شده‌اند:

الف) حق مهر

اسلام مهر را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داده و در آیات قرآن به طور مکرر مردان را به رعایت کامل این حق توصیه کرده و متذکر گردیده که «مهریه» نه به عنوان «قیمت و بها» بلکه به عنوان پشتوانه برای احترام به «حقوق زن» است. قرآن کریم می‌فرماید: «و اتوا النساء صدقاتهن نحلة»؛ مهر زنان را به عنوان

هدیه و از روی طیب خاطر به ایشان بدهید.» نساء/ ۱۹/ مهر در قانون و حقوق اسلام نیز نشانه ارج و احترامی است که مرد برای زن قایل است و مظهر تعهد شوهر برای تأمین زندگی زن است. حتی گاهی مهر می‌تواند مانع گسستن پیوند زناشویی و تضمینی برای ادامه زندگی و ازدواج باشد.

مهر در قانون مدنی به سه گونه است: مهر المسمی، مهر المثل و مهر المتعه که هر کدام دارای شرایط و احکامی است. این شرایط در قانون مدنی (مواد ۱۰۷۸ - ۱۱۰۱) بیان شده است.

ب) حق مسکن

قرآن کریم به مکرران دستور می‌دهد در هر کجا که خودتان سکنی می‌گزینید به زنان نیز همان جا سکنی دهید. «اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم؛ آن‌ها را در همان منزل خویش که میسر شماست سکنی دهید.» طلاق/ ۶/ آیات دیگر قرآن همچون: «وعاشروهن بالمعروف؛ با زنان به نیکی معاشرت کنید.» نساء/ ۱۹/ و نیز «ولا تضاروهن لتضیقوا علیهن؛ به زنان زیان نرسانید تا زندگی بر آنان تنگ گردد.» طلاق/ ۶/ تأکید بر سکونت زن مطابق عرف و عادت و شئون او دارد. طبق قانون مدنی مرد باید برای زن مسکن مناسب تهیه کند و یا او را در مسکن خود بپذیرد و زن نیز منزلی که همسرش تهیه دیده است را بپذیرد. موضوع سکونت زن و مسائل آن در مواد ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ قانون مدنی به تفصیل آمده است.

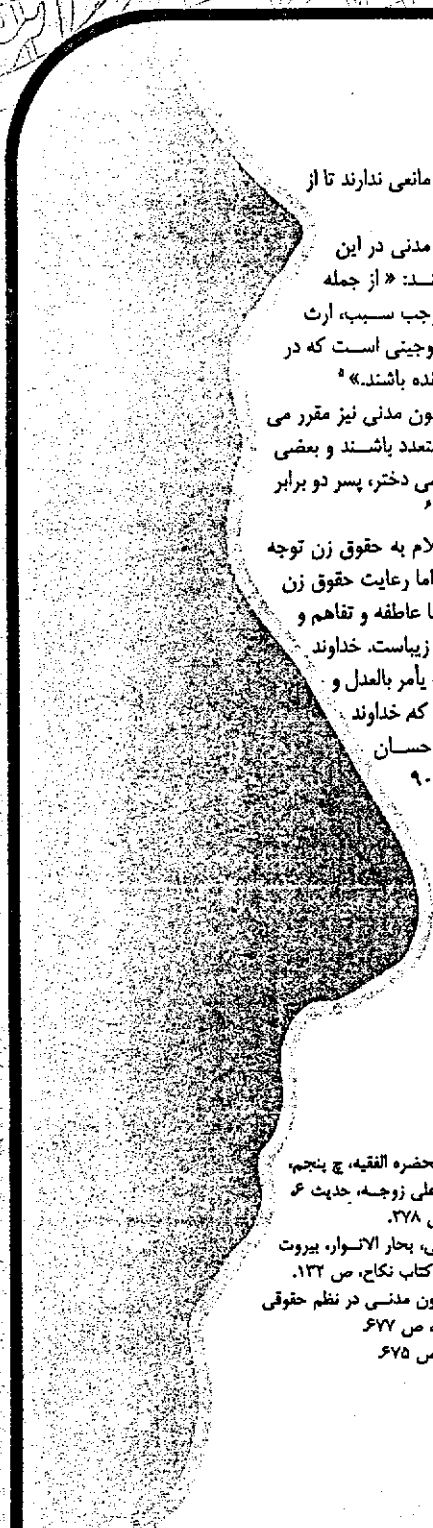
ج) حق نفقه

از جمله مسئولیت‌ها و وظایف یک طرفه در بحث زناشویی، موضوع «نفقه» و مخارج زندگی مشترک است که شرع و قانون بر عهده مرد گذاشته است. زن در این زمینه هیچ مسئولیتی ندارد؛ حتی اگر دارای تمکن مالی و شوهری فقیر باشد.

قرآن کریم به مردان دستور می‌دهد که به زنان خود نفقه بدهند: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من أموالهم؛ مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است؛ به واسطه برتری‌ای که خداوند بعضی را بر بعضی قرار داده و نیز به واسطه آن که مردان باید از مال خود به زنان نفقه بدهند.» نساء/ ۳۴/

از نظر اسلام و قرآن، تأمین بودجه خانواده و از آن جمله مخارج شخصی زن بر عهده مرد است و زن از این نظر هیچ گونه مسئولیتی ندارد.

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نیز «نفقه» را اینگونه تعریف کرده است



هیچ حالتی حجب و مانعی ندارند تا از ارث محروم بمانند.

ماده ۸۶۴ قانون مدنی در این مورد تصریح می‌کند: «از جمله اشخاصی که به موجب سبب، ارث می‌برند، هریک از زوجینی است که در حین فوت دیگری زنده باشند.»^۱

ذیل ماده ۹۰۷ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: «... اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آن‌ها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد.»^۲

نتیجه اینکه اسلام به حقوق زن توجه خاصی نموده است، اما رعایت حقوق زن در خانواده، همراه با عاطفه و تفاهم و مهربانی در کنار هم زیباست. خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ به درستی که خداوند مردم را به عدالت و احسان امر می‌کند.» نحل/۹۰

«نفقه زوجة عبارت است از: مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم، در صورت عادت داشتن زن به خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.»^۳ مواد ۱۱۰۶ - ۱۱۱۳ قانون مدنی علاوه بر تعریف «نفقه»، شرط سقوط و شروط و وجوب آن را نیز بیان می‌کند.

د) حق حسن معاشرت، معاضدت، وفاداری و رفتار شایسته آیات و روایات فراوانی بر این موضوع تأکید دارند که زوجین باید اساس زندگی مشترک را بر پایه رفتار نیکو و معاشرت احسن قرار دهند. همچنین نه تنها زنان از سوء معاشرت با مردان بر حذر داشته شده‌اند، بلکه مردان نیز از بدرفتاری نسبت به زنان نهی شده‌اند. قرآن کریم در این باره به مردان خطاب می‌کند که با زنان رفتار خوش داشته باشند، اگرچه آن‌ها را نمی‌پسندند: «یا ایها الذین آمنوا... عاشروهنّ بالمعروف فإنّ کرهتموهنّ...» نساء/۱۹

در قانون مدنی نیز به این نکته توجه شده و حسن معاشرت از تکالیف مشترک زن و شوهر مقرر گردیده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.»^۴ البته در قانون مدنی، هیچ اشاره‌ای به تکلیف لزوم وفاداری مرد نسبت به زن و بالعکس نشده است؛ ولی سکوت قانونگذار نشان‌گر بدیهی بودن این تکلیف در فرهنگ اسلامی است.

و) حق ارث

قرآن در همه حال زن را شایسته ارث بردن دانسته و اعلام نموده: «للرجال نصیب مما ترک الوالدان والأقربون وللنساء نصیب مما ترک الوالدان والأقربون مما قلّ منه أو کثر نصیباً مفروضاً» نساء/۷. قرآن با این آیه اعلام نموده که سزاوار نیست زن از میراث همسر خود محروم بماند یا اندکی سهم برد و سهمی از دارایی خانواده‌ای که او از پایه گذاران اصلی آن بوده است در اختیارش قرار نگیرد. البته برخی این اشکال را مطرح کرده‌اند که اگر اسلام زن و مرد را از لحاظ حقوق مساوی می‌داند، چرا سهم الارث زن را نصف سهم الارث مرد قرار داده است؟

قرآن کریم با این آیه شریفه، به این اشکال جواب داده است: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من أموالهم.» نساء/۳۴ استدلال اسلام با توجه به این آیه، این گونه است که وضع خاص ارثی زن معلول وضع خاصی است که زن از لحاظ مهر، نفقه، سربازی و برخی قوانین جزایی دارد.

در قانون مدنی و فقه، بسیاری از قواعد ارث بر موازین شرعی تکیه دارند. به همین دلیل در فقه تنها از میراث زوج و زوجه‌ای سخن می‌گویند که در کنار خویشان نسبی در هر طبقه‌ای که باشند، ارث می‌برند و در

پی‌نوشت‌ها

۱. شیخ طوسی، من لایحضره الفقیه، ج پنجم، ج ۳، باب حق الزوج علی زوجته، حدیث ۴۰۳۸، دارالکتب الاسلامیه، ص ۳۷۸.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت مؤسسه الوفاء، ج ۱۰۱، کتاب نکاح، ص ۱۳۲.
۳. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۶۷۷.
۴. همان، ماده ۱۱۰۳، ص ۶۷۵.
۵. همان، ص ۵۳۸.
۶. همان، ص ۵۶۱.